

## میزان!

[ صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۲۴ ]

خدای تبارک و تعالی، یک میزانی در قرآن کریم قرار داده است که با آن میزان ما باید خودمان را و دیگران را بشناسیم. می فرماید که: اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ. میزان در مؤمن و غیر مؤمن؛ مؤمن واقعی و غیر مؤمن این است که کتاب خدا می فرماید که چنانچه مؤمن است، خدای تبارک و تعالی ولی اوست، و مؤمنین را خدای تبارک و تعالی از همه ظلمتها، از همه تاریکیها، از همه چیزهایی که انسانها را محجوب می کند از حق تعالی، از همه اینها اخراج می کند و در نور وارد می کند. این انسانی که در اینجا غرق حجابهاست، غرق ظلمات است، اگر ایمان واقعی بیاورد، از همه انواع ظلمات، خداوند او را خارج می کند و به نور وارد می کند. یک قلب ظلمانی که در این عالم تمام چیزهایش حجاب است برای او، این حجابها را خدای تبارک و تعالی، یکی پس از دیگری برمی دارد و نور را به جای آنها می گذارد، که نور مطلق همان جمال خودش هست. ما اگر بخواهیم خودمان را بسنجیم و کسانی که مدعی هستند بسنجیم، باید ببینیم که این میزان؛ این دو تا میزانی که خدای تبارک و تعالی برای معرفی مؤمنها و غیر مؤمنها فرموده است، در خودمان هست یا نیست. به مجرد اینکه من یا شما ادعا کنیم که ما مؤمن به الله هستیم، تا آن محکی که خدای تبارک و تعالی قرار داده است در ما نباشد یک ادعای پوچی است.



## آتشى نفرستید که همه آنها را بسوزانید!

در روایتی چنین وارد شده که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در تبیین ثواب تسبیحات اربعه فرمود: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» غُفِرَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» غُفِرَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» غُفِرَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» غُفِرَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ. هر کس سبحان الله بگوید، خداوند در برابر آن، یک درخت در بهشت برایش می‌کارد، و هر کس الحمد لله بگوید، خداوند به ازای آن، یک درخت در بهشت برایش می‌کارد، و هر کس لا اله الا الله بگوید، خداوند به ازای آن، یک درخت در بهشت برایش می‌کارد، و هر کس الله اکبر بگوید، خداوند به ازای آن، یک درخت در بهشت برایش می‌کارد. وقتی شما این اذکار را به زبان جاری کردید تعدادی درخت در آنجا دارید. یک نفر گفت: ای پیامبر خدا! درخت‌های ما در بهشت، فراوانند! حضرت فرمودند: نَعَمْ، وَلَكِنْ إِنَّا كُمْ أَنْ تُرْسِلُوا عَلَيْهَا نِيرَانًا فَتُحْرَقُوا، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ﴾. بله؛ ثواب الهی را بدست می آورید با اعمال صالح، هر عمل صالحی را انجام می دهید یک ثواب الهی برای شما نوشته می شود، اما مشروط به اینکه آتشی نفرستید که این (ها) را بسوزانید؛ چرا که خدای عز و جل می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا و از پیامبر، فرمان برید و اعمالتان را از بین نبرید.

[ ثواب الأعمال، شیخ صدوق، ص ۲۶ / شرح حدیث از امام خامنه ای (مدظله العالی)، ۹۵/۱۰/۲۶ ]

## غلام با خواست چکار؟!

از بزرگی نقل شده که سبب بیداری او از خواب غفلت و کوشش در تحصیل معرفت و بندگی، کلام غلامی بود. روزی در بازار برده فروشان غلامی را دید و خواست آن را بخرد، پس نزد او آمد و گفت نام تو چیست؟ گفت هر چه بخوانی! پرسید تو را بخرم، گفت: اگر بخواهی. پرسید، خوراک تو چیست؟ گفت: هر چه بخورانی. پرسید لباست چیست؟ گفت: هر چه بپوشانی. از مسکنش پرسید، گفت: هر جا که جا دهی، گفت: ای غلام، این چه پاسخ هایی است؟! غلام گفت: آقا! غلام با خواست چکار؟! آن شخص متنبه شد و بر سر خود زد و گفت: ای کاش یک روز در عمرم با مولای حقیقی ام، این چنین بودم.

[ محمد لک آبادی، پای درس عارفان، قم، آخرین وصی، چاپ دوم، ۱۳۹۳، ص ۵۹ ]

